

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

afgazad@gmail.com www.afgazad.com

Ideological

مسائل ایندولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

02 نومبر 2024

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ترجمه و تفسیر سوره النساء- (10)

جزء 4، 5، 6

سوره النساء/ جزء 4، 5، 6

سوره نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه (19 الی 21) در باره موضوعات رفتار با زنان در زمان جاهلیت و پس از آن بحث به عمل آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا
بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ
كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که زنان را جبراً (بدون رضامندی آنها) به ارث ببرید و نیز زنان (بیوه) را از نکاح (با مردی دیگر) منع کنید، تا بخشی از مالی را که به آنها (به طور مهر) داده بودید، پس بگیرد مگر آن که مرتکب عمل زشت آشکار شوند و با زنان به طریقه نیک و پسندیده زندگانی کنید، پس اگر آنها را دوست ندارید صبر کنید زیرا چه بسا چیزی را خوش ندارید و (لیکن) الله در آن خیر و برکت بسیاری گذاشته است. (۱۹)

تشریح لغات واصطلاحات:

«أَنْ تَرْتُوَا النِّسَاءَ كَرْهًا»: این که خود زنان را به اکراه و زور به ارث ببرید و همچون کالائی او را دست به دست کنید. «كَرْهًا»: به گونه ای ناپسند، به اکراه، این کار، رفتار جاهلیت بود که خویشاوندان، زنان را به ارث می بردند. «لَا تَعْضُلُوهُنَّ»: زنان را از ازدواج منع نکنید. از ازدواج زنان جلوگیری نکنید، تحت فشارشان قرار ندهید. «فَاحْشَةَ مُبَيَّنَةٍ»: گناه آشکار، مانند زنا و نشوز (نافرمان بودن). «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»: با آنان به شایستگی رفتار کنید.

تفسیر:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوَا النِّسَاءَ كَرْهًا»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما جایز نیست که زنان را مانند کالا که از طریق ارث از شخصی به دیگری منتقل شوند. و بعد از فوت شوهران آنها را به زور و اجبار به ارث ببرید. یعنی: برای شما حلال نیست که آنان را از طریق ارث برای خویش گرفته و محبوس و مقیدشان گردانید، با این پندار که شما از خودشان به نفس‌هایشان ذی‌حقرتر هستید، چنان‌که اهل جاهلیت چنین می‌کردند و می‌کنند، لذا شما باید بدانید که زن به مثابه کالائی نبوده که به ارث برده شود.

این عباس (رض) فرموده است: در عهد جاهلیت اگر یک نفر می‌مرد، اولیاء به تصاحب زنش سزاوارتر بودند، اگر می‌خواستند یکی از آنان با او ازدواج می‌کرد، یا او را به عقد دیگری درمی‌آوردند. یا مانع ازدواج او می‌شدند.

«وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ»: برای شما حلال نیست از ازدواج آنها ممانعت به عمل آورید تا قسمتی از آنچه را که به آنها داده‌اید بگیریید و ببرید.

زهری و ابومجلز می‌گویند: «رسم و عادت اهل جاهلیت بر این بود که چون مرد می‌مرد و از خود همسری برجای می‌گذاشت، پسر آن مرد از غیر آن زن، یا یکی دیگر از نزدیکان نسبی وی، جامه خویش را بر او می‌افکند و با این کار به آن زن از خود زن و از اولیایش ذی‌حقرتر می‌شد».

«إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحْشَةٍ مُبَيَّنَةٍ»: جز در حال ارتکاب عمل زشت زنا از جانب آنان.

این عباس (رض) فرموده است: «فاحشة مبینة» یعنی نافرمانی و عدم اطاعت.

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»:

یعنی مطابق فرمان الله متعال با گفتار زبینه و رفتار نیکو با آنها معاشرت کنید. یعنی با زنان در گفتار و کردار به خلق خوش و رفتار نیکو معامله کنید؛ ذلت و آزاری را که در دوره جاهلیت بر آنها روا می‌داشتند، ترك نمایند؛ اگر از زنان شما عادت ناپسندی رخ دهد، بر آن صبر کنید شاید در آن مصلحتی باشد که الله متعال آن را در این جهان و آن جهان مایه منفعت شما گرداند؛ شکبیا باشید، و خوی زشت زنان را به زشتی مقابله ننمایید.

مرد باید، به مثابه سنگ‌زیرین آسیاب متحمل و زندگی کند، و باید با خوشرفتاری، بر سختی‌ها شکبیا باشد و نباید فراموش کرد که خطاب آیت مبارکه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» به مرد ها است.

در حدیث شریف آمده است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «خیرکم خیرکم لاهله وانا خیرکم لاهلی». «بهترین شما، بهترین شماست برای خانواده‌اش و من بهترین شما هستم برای خانواده‌ام».

« فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (19)»: اگر از همدمی و صحبت آنها بیزار و دلخور هستید، صبر و شکیبایی را در مورد آنها پیشه کنید و خوش رفتاری با آنها را ادامه دهید. شاید از آنها دارای فرزندی صالح بشوید که چشم شما را روشن کند. چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیری فراوان قرار داده باشد. در حدیث صحیح آمده است: مرد با ایمان به خاطر اخلاق ناپسند زنش نباید از زن با ایمان متنفر گردد، در صورتی که از دیگر خصوصیات او راضی باشد.

شان نزول آیت مبارکه:

امام بخاری نیز در بیان شأن نزول آیت کریمه از ابن عباس (رض) روایت کرده است که فرمود: «رسم اهل جاهلیت بر این بود که چون مرد می‌مرد، اولیای متوفی به (تصاحب) زن وی سزاوارتر تلقی می‌شدند، پس اگر یکی از آنان می‌خواست، او را به نکاح می‌گرفت و اگر می‌خواستند، او را به دیگری به زنی می‌دادند و اگر هم نمی‌خواستند، او را اصلاً به نکاح نمی‌دادند، پس به هر حال؛ آنها به تصمیم‌گیری درباره‌ی وی ذی‌حقت‌تر و سزاوارتر بودند». در روایتی دیگر از ابن عباس (رض) آمده است: «اگر آن زن زیبا می‌بود، یکی از بستگان نزدیک شوهر متوفایش او را به نکاح خویش می‌گرفت و اگر بد رنگ و بد قواره و نازیبا می‌بود، او را در بند خویش می‌داشت تا بمیرد و میراثش را بگیرد، یا او را وامی‌داشت که خود را بازخرد کند و در قبال آزادی وی از اوفدیهای می‌گرفت و رهایش می‌کرد». در روایت بخاری اضافه شده است: «همان بود که این آیت کریمه نازل شد».

مفهوم رفتار با زنان در جاهلیت:

در آیهت متبرکه 19 با إعجاز خاصی بیان یافت که «ای اهل ایمان! به هوشیار باشید، زن، کالا نیست که بر خلاف میل‌شان، جاهلانه آنان را به ارث برید. کاری نکنید که هنگام جدائی ناچار شوند از حقوق خود دست بردارند تا از چنگ شما نجات یابند، این کار، گناه بزرگی است. خیر فراوان - در آیت - فرزند نیکوست».

حقوق زن در آیت مبارکه:

الف: این که زن کالا نیست و به عنوان ارث به کسی نخواهد رسید و این کار بس حرام و نافرمانی پروردگار است. زن از جنس و گوهره مرد است، تا در کنارش آرام بگیرد و میانشان مودت و رحمت برقرار شود. (روم آیت 21).
ب: جایز نیست از ازدواج زن جلوگیری شود و کسی از نزدیکان متوفی هرگونه دلش خواست با او رفتار نماید.
ج: با کلام و سخن نیکو و کردار پسندیده و عادلانه در هزینه و نفقه و غیره با زنان رفتار و برخورد کنید. زن عواطف و احساسات تند و شتابگرانه ای دارد که بعضی مردان را به ستوه می‌آورد؛ اما شما برای جدائی، شتاب نورزید و فوراً تصمیم نگیرید، بیندیشید، آن گاه عمل کنید. زنان، در حد عرف بر مردان حقی دارند، همانگونه که مردان بر آنان دارند. (سوره بقره آیت 228).

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِطْرًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۲۰)
و اگر تصمیم همسر (جدید) را به جای همسر (قدیم) قرار دهید (یعنی زن قدیم را طلاق دهید) و به یکی از آنها مال بسیار (به طور مهر) داده باشید، پس از آن (مال) چیزی نگیرید، آیا آن را به ستم و تجاوز آشکار پس می‌گیرید؟ (۲۰)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«استبدال»: جایگزین کردن. «قنطاراً»: مال بسیار، مهر فراوان (آل عمران آیت 75).
«بُهْتَانًا»: از طریق ستم، دروغ. «إِثْمًا مُبِينًا»: حرام روشن و آشکار.

تفسیر:

در آیت متبرکه ذیل خداوند متعال شوهر را از بازگرفتن مهریه، بعد از طلاق برحذر داشته می فرماید: «وَ إِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ»: ای مؤمنان! هر گاه یکی از شما خواستید تا با همسری دیگر ازدواج کند و به سببی شرعی همسر اولی را طلاق دهید. «وَ آتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنْطَارًا»: در حالی که مهریه هنگفتی به آنها به عنوان مهر پرداخت کرده اید، یا هدیه. (قنطار: صد رطل طلا است و هر رطل دو کیلو و نیم است).

«فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا»: پس حتی مقداری ناچیز از آن مهریه را پس نگیرید.

یعنی: اگر مرد، زن خویش را از روی بی میلی به او طلاق داد، بی آن که طلاق به انگیزه بدکاری و ناسازگاری وی باشد، پس در این صورت برای مرد حلال نیست که چیزی از آنچه را که به او به عنوان مهر یا هدیه داده است، از او بازپس بگیرد.

«أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (20)»: ای مردان؟ بهتان: ظلم و دروغی است که طرف مورد تعدی را مبهوت و حیرت زده گرداند، که این بدون شک، حرام و گناهی بزرگ است.

در این آیت متبرکه یکبار دیگر بر حقوق حقه زنان تأکید به عمل آمده است. و فحوای آیت مبارکه می رساند که دین مقدس اسلام حامی حقوق حقه زن است و ازدواج دوم را به قیمت ضایع کردن حق همسر اول منع می کند، و در ضمن به مرد هدایت فرموده است که نباید حقوق حقه زنان تلف گردد. هکذا فهم این آیت مبارکه می رساند که زن، حق مالکیت دارد و مهریه، بی کم و کاست باید به او تحویل و تعلق گیرد.

در دوره جاهلیت رسم بر آن بود کسی که می خواست زن اول خود را طلاق دهد و زن نو بگیرد؛ بر اولی تهمت می بست، تا وی مجبور شده مهر را پس دهد که در نکاح جدید آن را به کار ببندد. با تأسف باید گفت که: یکی از بدترین انواع ظلم، گرفتن مال مردم، همراه با توجیه کردن و تهمت زدن و بردن آبروی آنان است.

در این آیت متبرکه طوری که خواندیم به مرد در مورد تادیه مهر به صورت کامل حکم به عمل آمده است، برای آنان گوشزد گردیده است که به خاطر بهانه گیری زنان خویش را متهم به اعمال منافی عفت طوری که در دوران جاهلیت عادت بر آن بود که به خاطر فرار از اعطای حقوق برای زنان و این که چگونه بتوانند مهر تادیه شده را واپس اخذ نمایند، زن خویش را متهم به اعمال ناشیسته می کردند. این عمل را پروردگار عمل ظالمانه، گناه و متوسل شدن به یک وسیله مخالف اخلاق و در نهایت امر گناه آشکار قلمداد نموده است.

روایت آموزنده:

سیرت نویسان می نویسند که در یکی از روزها امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه مصروف سخنرانی در منبر بود و در خطاب با حاضران گفت: ای مردم! در مورد مهریه زنان مبالغه نکنید که اگر زیادی مهریه نشانه کرامت و شرافت دنیوی یا پرهیزگاری نزد الله می بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم از شما بدان مستحق تر بود. پیامبر صلی الله علیه و سلم مهریه هیچ یک از همسران و دخترانش را بیش از دوازده «واقیه» مقرر نکرد. در آن میان

زنی برخاست و گفت: یا عمر! خدا به ما عطا می کند و شما محروم می کنی؟ خدا می فرماید: « وَ آتَيْتُمْ إِجْدَاهُنَّ قَيْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا »: عمر رضی الله عنه گفت: زن درست گفت و عمر اشتباه کرد. (تفسیر الکشاف 379/1)

وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٢١﴾

و چطور آن را می گیرید حال آن که با یک دیگر آمیزش (جنسی) کرده اید (و هریک بر عورت دیگری اطلاع پیدا کرده است) در حالی که زنان از شما عهد محکم (در عقد نکاح) گرفته اند. (21)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«أَفْضَى» (فضو): کام گرفته است، آمیزش جنسی داشته است، همبستر شده است، مقاربت جنسی داشته است. «أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ»: از همدیگر کام گرفته اید. افضی — وصل: به او رسید، کنایه از زناشویی است. پروردگار با عظمت ما در آیت مبارکه عمل نزدیکی و جماع را به طور کنایه به «افضاء» بیان فرموده است « وَ قَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ » این تعبیر را به منظور تعلیم مؤمنان آورده است تا در بیان گفتار و توضیح مسایل؛ ادب را رعایت کنند. ابن عباس (رض) گفته است: «افضا» در این آیت مبارکه به معنای نزدیکی است ولی الله متعال آن را به صورت کنایه آورده است. (تفسیر قرطبی 102/5).

«مِيثَاقًا غَلِيظًا»: پیمان محکم و پایدار. مراد از میثاق غلیظ و پیمان محکم پیمان ازدواج است، چرا که ازدواج در واقعیت یک پیمان و فاداری محکمی است که یک زن با تکیه بر استحکام آن خودش را در اختیار یک مرد قرار می دهد. اگر مرد با خواست و رضایت خود این پیمان را می شکند حق ندارد معاوضه ای را که هنگام بستن پیمان تقدیم کرده است واپس گیرد.

تفسیر:

«وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ»: یعنی برداشتن و بردن آن چگونه برایتان مباح است در حالی که شما از آنان کام بر گرفته و با آنها رابطه زناشویی داشته اید؟

« وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (21) »: و از شما عهد و پیمانی مؤکد و استوار گرفته اند که عبارت است از همانا عقد نکاح است که مرد و زن را با نیرومندترین رابطه بهم پیوند داده و قوی ترین تعهدات را میان آنها ایجاد می کند.

مجاهد فرموده است: «میثاق غلیظ» یعنی عقد نکاح. و در حدیثی آمده است: در مورد زنان از الله بترسید که آنها را به عنوان امانت خدا برده اید و مطابق فرموده الله آنان را برای خود حلال کرده اید. (اخراج از مسلم). باید یاد آور شد که اگر مرد بعد از عقد نکاح، با زنش مقاربت یا خلوت شرعی کرد، زن مستحق کل مهر خویش است و بر شوهر، گرفتن چیزی از وی در صورت طلاق دادنش حرام است، مگر در حالتی که زن مرتکب زنا، یا ناسازگاری شده باشد - چنان که بیان آن گذشت. در نزد احناف و حنبلی ها، مهر با «خلوت صحیحه» ثابت می گردد، اما شافعی ها و مالکی ها بر آنند که مهر با مقاربت مقرر و ثابت می شود نه به صرف خلوت.

حقوق حقّه زن در آیات متذکره:

در آیات فوقانی بر چهار حق از حقوق مسلم زن تصریح و تأکید به عمل آمده است:

- تحریم به ارث بردن زنان.

- نهی از ممانعت زن از ازدواج مجدد در صورت وقوع طلاق.

- حق زن در برخورداری از معاشرت به شیوه نیکو و پسندیده.

- حق زن در دریافت مهریه خویش به طور کامل.

همچنان قابل دقت و تذکر است که در این آیت متبرکه یکبار دیگر برای زوج تأکید و یاد آوری به عمل آمده است که نباید عواطف انسانی در باره شریک زندگی خویش که یک وقتی با هم در الفت و محبت مانند یک روح و جان زندگی می کردید، چگونه حاضر می شود برای منفعت مادی، و برای مسترد ساختن دوباره مال داده شده به نام مهر مانند دشمن با یک دیگر راه های دشمنانه را در پیش می گیرد، در حالی که با محبت با یک دیگر در آمیزش بودید: طوری که در آیت مبارکه خواندیم: « وکیف تأخذونه وقد أفضی بعضکم الی بعض». و به تعقیب آن می فرماید: «واخذن منکم میثاقا غلیظا» (همسران شما پیمان محکمی به هنگام عقد ازدواج از شما گرفته اند). چطور حاضر می شود که تعهد نامه مقدس و محکم را نادیده می گیرید و اقدام به پیمان شکنی آشکار می کنید؟). قابل توجه و دقت است که احترام و نگهداشت عهد و پیمان و لزوم عمل و رفتار به آن ریشه فطری دارد. هر انسانی لزوم عمل به پیمان را در اولین مدرسه تربیت، یعنی فطرت و سرشت انسانی می آموزد و از آن الهام می گیرد. اطفال در آغاز زندگی، با سرشت پاک خود، عمل به پیمان را لازم می دانند. پیمان شکنی را بد می شمارند. به خاطر فطری بودن این اصل در جامعه انسانی، نقض عهد و پیمان شکنی از ردایل اخلاقی شمرده می شود و ضربات شکننده و جبران ناپذیری بر شخصیت و انسانیت فرد، وارد می سازد و در صحنه های سیاسی، هیچ چیز رسواتر از پیمان شکنی نیست. تنها ملتی عزیز است که به تعهدات خود عمل کنند و آنها را محترم بشمارند.

قرآن مجید، دستور می دهد تا به عهد و پیمان خود پیوسته و فادار باشیم و بدانیم که در برابر خدا مسؤولیم. و می فرماید: «وَ بَعَثَ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.» (سوره انعام: 152) به عهد الهی وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید.

و نیز می فرماید: «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.» (سوره اسراء: 34) (به پیمان های خود وفادار باشید زیرا از پیمان ها سؤال خواهد شد).

ادام دارد